



سوم ابتدایی

زیبا نویسی



خوشنویسی و آموزش: حسن فتحی
مدرس خوشنویسی مدارس تهران و عضو انجمن خوشنویسان ایران

الحمد لله الذي جعل
الحمد لله رب العالمين
للحمد لله رب العالمين

يا كبرياء
يا كبرياء
يا كبرياء
يا كبرياء
يا كبرياء
يا كبرياء

ولا ارض



ب نام خدا

شکر ب معین و در آموزگار

در مجموع کن بجای آنقدر زب زبیر که پیش روی تو ظاهر و ظاهر من شدم
 که جو سبز ناب و بد بر این مرغ و بوم کجاست و میراث گرانجا که نشان سبز مزد
 خنجر ذوق لیلی است به بهترین دست و سینه منج بلا که شامی طلب عزیز
 باز آموز شدمت و سر بر آن بجه شدمت که تا جایی که ممکن است از زیادت
 پیچیده و سخت پر سیز گدگ . تالذت زب نویر با ساد که بس راه شاد
 بر سیرت که مهارت و تمرین زیاد چش پخت و زباید بهر چه بیشتر خاشاک شاد
 نبیر به این حق بجای سنده گدگ .

ضمناً لاجت عزیز و گدگ جت بر منقده که ز منج و شکر این مجموع در لاجت شکر
 شکر و سپر لاطلم .





سایش

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشنده‌ی مهربان

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشنده‌ی مهربان

خدایی که آب و هوا آفرید درخت در گل و سبزه با آفرید

خدایی که آب و هوا آفرید درخت در گل و سبزه با آفرید

خدایا، به ما مهربانی بده دلی ساده و آسمانی بده

خدایا، به ما مهربانی بده دلی ساده و آسمانی بده

دلی صاف و بی کینه، مانند آب دلی روشن و گرم، چون آفتاب

دلی صاف و بی کینه، مانند آب دلی روشن و گرم، چون آفتاب





الف حرف روی خط زمینه قرار می‌گیرد و به صورت حرکت عمودی
 و از بالا به پایین نوشته می‌شود که ابتدای آن کمی متمایل به سمت راست و انتهای آن
 متمایل به چپ است. دُزست ترا نادرست ترا

آموزش

ا ا ا ا

آسمان آسمان آسمان

آب د هوا آب د هوا آب د هوا

آفرید آفرید آفرید





امید، همراه پدرش، از خانه خارج شد. او با دقت به اطراف نگاه می کرد.
امید، همراه پدرش، از خانه خارج شد. او با دقت به اطراف نگاه می کرد.

بوی نان تازه می آمد. چند نفری در صف نانوایی ایستاده بودند.
بوی نان تازه می آمد. چند نفری در صف نانوایی ایستاده بودند.

امید و پدرش، کمی جلوتر به بازارچه رسیدند. بازارچه تعداد زیادی
امید و پدرش، کمی جلوتر به بازارچه رسیدند. بازارچه تعداد زیادی

مغازه و دکان کوچک و بزرگ داشت. بعضی از آن ها لباس و
مغازه و دکان کوچک و بزرگ داشت. بعضی از آن ها لباس و





کیف و کفش می فرود خندد بعضی دیگر، کتاب و دفتر. چند تایی از
کیف و کفش می فرود خندد بعضی دیگر، کتاب و دفتر. چند تایی از

آن ها هم مواد غذایی داشتند.
آن ها هم مواد غذایی داشتند.



حرف **ب** به صورت حرکت افعی از راست
به چپ نوشته می شود که ابتدای آن به صورت **ب** و انتهای
آن عمود بر خط زمینه نوشته می شود.

دُرست **ب** نادرست **ب**





دیشب دیشب دیشب

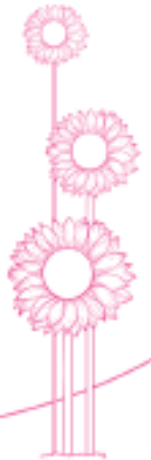
خوب خوب خوب

کتاب کتاب کتاب

آفتاب آفتاب آفتاب

مناسب مناسب مناسب

تعجب تعجب تعجب





پدر بزرگ

دیشب پدر بزرگم
دیشب پدر بزرگم

آمد به خانگی ما
آمد به خانگی ما

باز ادمرا بغل کرد
باز ادمرا بغل کرد

بوسید صورتم را
بوسید صورتم را

در دست پیراد بود
در دست پیراد بود

باز آن عصای زیبا
باز آن عصای زیبا

خندید و قلقلک داد
خندید و قلقلک داد

با آن عصا دلم را
با آن عصا دلم را

